



تاریخ
۲۹
شهریور
۱۴۰۵
یکشنبه

تیم‌های برتر مسابقات کشتی پهلوانی استان خوزستان

مشخص شدند



اهواز قهرمان رقابت‌های کشتی پهلوانی استان خوزستان شد. به گزارش پایگاه خبری اداره کل ورزش و جوانان استان خوزستان، مسابقات کشتی پهلوانی استان خوزستان، با حضور تیم‌هایی از شهرهای مختلف استان برگزار شد که در نهایت، تیم اهواز با کسب ۹۰ امتیاز در صدر جدول قرار گرفت و قهرمان مسابقات تیمی شد. تیم‌های شهیدرضایی و امیدیه نیز به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم ایستادند. در وزن ۶۰ کیلوگرم، کیارش شیبانی از آبادان به مقام نخست دست یافت. امیرمحمد کاوسی از امیدیه دوم شد و امیرعلی حسینوند از دزفول و سید ابوالفضل حسینی از شهید سردارپور به‌صورت مشترک در جایگاه سوم قرار گرفتند.

در وزن ۷۰ کیلوگرم، فرزاد محمدی حاجیوند از اهواز قهرمان شد. علی حاجیوند از دزفول مقام دوم را کسب کرد و ابوالفضل مکنونی از هندیجان و عباس نجاتی از شهید سردارپور به‌طور مشترک سوم شدند. در وزن ۸۰ کیلوگرم، ابوالفضل محمدی از باغملک عنوان قهرمانی را به دست آورد. محمد آل حمود از امیدیه دوم شد و امیرمهدی سهرابی از آبادان و ابوالفضل مهدی‌پور از شوشتر به مقام سوم مشترک رسیدند. در وزن ۹۰ کیلوگرم، متین رنجبری

آتنا بشیری، اسکیت‌باز استان فارس، در رقابت‌های دستجات آزاد کشوری اسکیت کراس در اصفهان موفق به کسب مدال برنز شد.

به گزارش دریافتی روزنامه طلوع از روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان فارس، دومین دوره رقابت‌های دستجات آزاد کشوری اسکیت کراس با عنوان «جام شهدای معجزه مهیار» طی دو روز به میزبانی اصفهان برگزار شد.در این رقابت‌ها که در دو بخش بانوان و پسران و در تمام رده‌های سنی برگزار شد، حدود ۵۰۰ ورزشکار حرفه‌ای از ۱۷

کسب مدال برنز کشوری توسط اسکیت‌باز فارس

استان کشور داشتند.

آتنا بشیری، اسکیت‌باز اعزامی از استان فارس، در رده سنی ۲۰۱۳ بخش بانوان موفق به کسب مقام سوم مشترک این رقابت‌ها شد. مربیگری تیم استان فارس در این مسابقات بر عهده مرتضی مرادی بود. مرادی از مربیان درجه یک اسکیت استان فارس است که سابقه مربیگری تیم اسکیت شیراز و آموزش تخصصی اسکیت فری‌استایل و فریراید را در کارنامه دارد.

«جام کوچه»؛ بازگشت فوتبال کل کوچک به محله‌ها با رؤیای قهرمانی ایران

ثبت‌نام تیم‌های محله‌ای از ۲۵ شهریور آغاز می‌شود



بر اساس اعلام رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی، گفت: این رقابت‌ها با هدف احیای فوتبال کل کوچک، توسعه ورزش محله‌محور و ایجاد شور و نشاط اجتماعی در میان جوانان و نوجوانان برگزار می‌شود.

به گزارش دریافتی روزنامه طلوع از روابط عمومی هیئت ورزش‌های همگانی استان فارس، محمدرضا جعفری یادآور شد: فوتبال کل کوچک، ورزشی ریشه‌دار در خاطرات جمعی ایرانیان است؛ ورزشی که سال‌ها در کوچه‌ها، زمین‌های خاکی و محله‌های شهرها، بستری برای رفاقت، رقابت سالم و شکل‌گیری هویت اجتماعی نسل‌های مختلف بوده است. اکنون فدراسیون ورزش‌های همگانی در قالب رویداد ملی «جام کوچه» تلاش دارد این ظرفیت مردمی را در چارچوبی منسجم و ملی دوباره فعال کند.

بر اساس اعلام فدراسیون ورزش‌های همگانی، ساختار برگزاری جام کوچه در پنج مرحله طراحی شده است: منطقه، شهر، شهرستان، استان و کشور. در این مسیر، تیم‌های محله‌ای ابتدا در رقابت‌های منطقه‌ای به میدان می‌روند و تیم‌های برتر هر مرحله، مسیر صعود به سطوح بالاتر را طی می‌کنند. در نهایت، دو تیم برتر هر استان جواز حضور در فینال بزرگ کشوری را به دست خواهند آورد؛ فینالی که طبق برنامه‌ریزی اعلام‌شده، در بهمن‌ماه برگزار می‌شود.

این ساختار، فوتبال را از زمین‌های محلی به یک رقابت ملی پیوند می‌دهد؛ به گونه‌ای که نام هر تیم، نماینده محله، خیابان یا منطقه‌ای است که از آن برخاسته است. بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی فدراسیون ورزش‌های همگانی، زمان‌بندی این رویداد به شرح زیر است: ثبت‌نام تیم‌ها: از ۲۵ شهریور تا ۲۵ مهرماه ۱۴۰۵ مرحله منطقه‌ای: از ۲۷ مهر تا ۲۷ آبان‌ماه مرحله شهری: در آذرماه مرحله استانی: در دی‌ماه فینال کشوری: در بهمن‌ماه

ثبت‌نام و پیگیری فرآیند برگزاری مسابقات از طریق سامانه ملی رویدادهای فدراسیون ورزش‌های همگانی به نشانی زیر انجام می‌شود: **events.isfaf.ir**

جزئیات ۵ قتل به خاطر ارنیه شوم

یک‌ی از پسران این خانواده را یافتند. با دستور بازپرس گودرزی ماموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران او را در خانه‌اش بازداشت کردند. ماموران با دستور قضایی خانه اجاره‌ای او را بازرسی و کیفی را پیدا کردند که شناسنامه، کارت ملی و کارت‌های بانکی دیگر اعضای خانواده اش در آن بود. از سوی دیگر اسناد و مدارکی پیدا شد که تمام اموال به نام این مرد و برادر دیگرش شده است. متهم ۳۷ ساله برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران انتقال یافت و مدعی بود از اعضای خانواده اش خبری ندارد و آنها با رضایت خود اموال را به نام او و برادرش ثبت کرده‌اند. تحقیقات برای رازگشایی از ابعاد این پرونده ادامه داشت تا این که سرانجام ۲۰ روز قبل مخفیگاه برادر متهم دستگیر شده در شمال کشور پیدا و او بازداشت شد. این مرد جوان نیز برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران منتقل شد. این دو برادر از سرنوشت دیگر اعضای خانواده خود اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند بنابراین تحقیقات به طور جداگانه از آنها ادامه یافت تا این که بامداد پنجشنبه بیست‌وششم شهریور، راز قتل اعضای خانواده‌شان را با انگیزه تصاحب ارنیه کلان که از پدرشان به جا مانده بود را فاش کردند. متهم ۳۷ ساله اعلام کرد معتاد بوده و خانواده نمی‌خواستند ارنیه او را پرداخت کنند و حتی از وی خواسته بودند شمش را به بقیه اعضای خانواده انتقال دهد؛ بنابراین طمع تصاحب همه اموال به جان او افتاده و با همدستی برادر دیگرش نقشه قتل عام دو برادر، دو خواهر و مادرحدود ۶۰ ساله‌شان را در محلی گذاشتند. تحقیقات از متهم به قتل نشان داد ابتدا مادر خانواده را که در اجرا زندگی اش تنها بوده و بعد یکی از خواهرانش را که به خانه رسیده بود خفه کرده است. او و برادرش سپس از ترس فاش شدن ماجرای این دو قتل با تهیه یک یخچال صنعتی اجساد این دو نفر را در آن قرار داده و نگهداری می‌کردند. بعد از آن روز وقتی برادر دیگرشان سراغ اعضای خانواده را می‌گیرد او را قرار می‌گذارند و وی را نیز با شلیک گلوله به قتل می‌رساند. سپس دو نفری جسد وی را با خودرو به خانه مادرشان انتقال می‌دهند و در یکی از یخچال‌های صنعتی قرار می‌دهند. این در حالی بود که هنوز یک برادر و یک خواهرشان زنده بودند. قاتل آن دو را هم به محلی می‌کشاند و هر دو را با شلیک گلوله به قتل می‌رساند. در ادامه اجساد آن دو را هم با کمک برادر دیگرش به خانه مادر منتقل و در یخچال صنعتی می‌گذارند.

بعدا از آن با استخدام چند کارگر افغان آنها ابتدا چاهی به عمق ۲۵ متر حفر می‌کنند. بعد از رفتن کارگران سه جسد را گونی پیچ شده درون چاه می‌اندازند. روی آن سیمان ریخته و دهانه چاه را می‌پنند. چند روز بعد دوباره کارگران افغان دیگری چاهی دیگر با عمق ۲۵ متر حفر می‌کنند. دو جسد دیگر را هم گونی پیچ داخل این چاه می‌اندازند و دهانه آن را می‌پنند. حسین گودرزی، بازپرس شعبه ششم دادرسی جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف اولیه این دو برادر به جنایت خانوادگی برای هردویشان به اتهام مشارکت در پنج قوه جنایت قرار قانونی صادر شده و در بازداشت به سر می‌برند. تحقیقات تکمیلی برای رازگشایی از دیگر ابعاد پرونده ادامه دارد. این در حالی بود که ماموران با اعتراف متهمان پرونده صبح پنجشنبه به آن خانه در محله پونک رفتند و اجساد را در دو چاه پیدا کردند. موضوع کشف این اجساد به محسن اختیاری، بازپرس کشیک قتل دادرسی جنایی تهران اعلام شد و با هماهنگی وی بقایای کشف شده اجساد به پزشکی قانونی ارسال شد.



صفحه
۷
شماره
۴۵۸۴
سال سی و یکم

بدمینتون بوشهر پس از ۱۰ سال

در جمع هشت تیم برتر کشور قرار گرفت



رئیس هیئت بدمینتون استان بوشهرگفت: تیم بدمینتون نونهالان پسران این استان پس از ۱۰ سال موفق شد در رقابت‌های قهرمانی کشور در جمع هشت تیم برتر قرار گیرد که این موفقیت گامی مهم برای حضور بدمینتون بوشهر در جمع مدعیان سال‌های آینده است.

به گزارش روزنامه طلوع به نقل از روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر؛ رامین کتین اظهار کرد: از ابتدای فعالیت هیئت، تقویم فدراسیون مبنای برنامه‌ریزی قرار گرفت و تاکنون بیشتر برنامه‌ها و رویدادهای پیش‌بینی‌شده برگزار شده و با استقبال خوبی از سوی ورزشکاران و خانواده‌ها همراه بوده است.وی افزود: برای نخستین بار مسابقات رده‌های سنی زیر ۱۱ سال در بخش بانوان و آقایان برگزار شد و با برگزاری این مسابقات، استعدادهایی که در سال‌های گذشته کمتر دیده می‌شدند، شناسایی و برای آنها برنامه‌ریزی شده است.

رئیس هیئت بدمینتون استان بوشهر ادامه داد: یکی از مهم‌ترین برنامه‌های امسال، اعزام تیم نونهالان پسران استان به مسابقات قهرمانی کشور در ارومیه بود که با توجه به مسافت زیاد و هزینه‌های سنگین، انجام آن با دشواری‌هایی همراه بود، اما با وجود این مشکلات، اعزام تیم انجام شد. کتین با قدردانی از حمایت‌های

حوادث

پایان خونین دوئل عشقی دو رقیب

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، زنگ مدرسه که به صدا درآمد، مهسا کیفش را روی دوشش انداخت و به همراه دو همکلاسی‌اش از مدرسه خارج شد. چند قدمی از مدرسه فاصله نگرفته بود که المیرا با دست به آن سوی خیابان اشاره کرد و گفت: «نگاه کن باز این پسره آمده اینجا. گناه داره چرا اذیتش می‌کنی وقتی آنقدر تو را دوست داره، تو هم یک روی خوشی به او نشان بده».

امید مدت‌ها بود به مقابل مدرسه می‌آمد و مهسا را تا خانه‌اش بدرقه می‌کرد. دو سه باری به او ابراز علاقه کرده بود، اما مهسا جوابی ن داده بود. بالاخره آن روز حرف‌های المیرا تأثیر خودش را گذاشت و مهسا که از امید خوشش آمده بود خجالت را کنار گذاشت و تصمیم گرفت با او صحبت کند. بدین ترتیب ارتباط عاشقانه امید و مهسا از آن روز شروع شد. با گذشت چند سال امید و مهسا دیگر به نامزدهای جاودانه تبدیل شده بودند تقریباً همه می‌دانستند که آنها عاشق همدیگر هستند. تا اینکه یک روز گرم تابستانی اتفاق شوم رخ داد.

آن روز امید و مهسا با هم بودند که تلفن امید زنگ خورد ناگهان رنگش پرید و با عصبانیت و بدون آنکه حرفی به مهسا بزند از او جدا شد و رفت. دلهره عجیبی به جان مهسا افتاد به یاد مزاحمت‌های پژمان افتاد. یکی از هم محلی‌هایش با اینکه می‌دانست سالیهاست او با امید دوست است، اما چندین بار راهش را سد کرده و پیشنهاد دوستی داده بود. کم کم این اتفاق به گوش امید رسید و رفتار امید عوض شد. مهسا در افکار خود غوطه ور بود که امید با سر و صورتی زخمی برگشت و گفت: «تا او باشد مزاحم ناموس مردم نشود».

با شنیدن این حرف انگار دنیا روی سرش خراب شده باشد، او ادامه داد: «دو تا خط رویش انداختم تا حساب کار دشتش بیاید. فکر کرده با قمه آمده من ازش می‌ترسم».

مهسا دست زخمی امید را پانسمان کرد و یک ساعتی از ماجرا نگذشته بود که تلفن امید به صدا درآمد، تلفنی که خبر از یک جنایت می‌داد. پس جوان وحشت زده فرار کرد تا پلیس او را دستگیر نکند. مهسا را تا نزدیکی خانه‌شان رساند و خودش راهی خانه مادر بزرگش شد. اما عذاب وجدان به سراغش آمد و درنهایت ۲۴ ساعت بعد خود را مقابل اداره آگاهی دید. به مأمور جوانی که جلوی در ایستاده بود، گفت: «من خود را نفر را کشته‌ام می‌خواهم خودم را معرفی کنم».

دقایقی بعد روبه‌روی افسر کشیک قتل اداره دهم قرار گرفت و به قتل پژمان اعتراف کرد. تمام مدت گریه می‌کرد زیر لب گفت: «بیماری دو قطبی دارم دست خودم نیست، نمی‌خوامتم او را بکشم».

اختلاس می‌پژمان چه بود؟

می‌خواست من را تحقیر کند، می‌دید من در محل برو بیایی دارم و می‌دانست که مهسا دوست دختر من است، اما با این حال برای او مزاحمت ایجاد می‌کرد و می‌خواست کاری کند که رابطه ما بهم بخورد.

چند سال با مهسا دوست بودی؟ ۱۲ سال

چرا ازدواج نکردید؟

من بیچار بودم و مهسا از این موضوع با خبر بود به همین دلیل به من گفته بود تا هر زمان که بخوام با من رفاقت می‌کند، اما ازدواج نه.

انگار پژمان با تو دوست بود؟

در ظاهر باهم هیچ مشکلی نداشتیم و او به خانه ما می‌آمد و پای بساط من می‌نشست، اما از اندازه مان که می‌رفت پشت سرم شروع می‌کرد به حرف زدن. چند باری هم تصمیم گرفت که حال مرا بگیرد، اما هر بار به گوتم می‌رساندند و من پیش دستی می‌کردم. حسادت می‌کرد من از هر نظر از او بهتر بودم و می‌خواست مرا تحقیر کند و در محل بگوید که من دوست دختر امید را از دشتش درآوردم.

